

## اثرات افزایش نرخ مالیات ارزش افزوده بر تورم و رفاه خانوار با استفاده از الگوی ماتریس حسابداری اجتماعی ۱۳۹۰

فهیمة محبّی نیا

کارشناس ارشد اقتصاد توسعه و برنامه‌ریزی / کارشناس مرکز آمار ایران، famohebb@yahoo.com

### چکیده

مالیات ارزش افزوده نسبت به سایر مالیات‌های مرسوم، یک مالیات جدید است. گسترش این سیستم، یکی از مهم‌ترین توسعه‌های مالیاتی و بی‌شک یکی از جدال بر انگیزترین مباحثی تلقی می‌گردد که در اواخر قرن بیستم مطرح شده است. تحقق این سیستم در نظام مالیاتی هر کشور، دو اثر مثبت را داراست؛ نخست آنکه؛ خلأ مالیات‌های غیرمستقیم را پوشش داده و وصول درآمدهای مالیاتی را افزایش می‌دهد و دوم آنکه؛ بسیاری از حلقه‌های زنجیره مبادلات اقتصادی شناسایی گشته و شالوده سیستم مالیات بر درآمد متحول خواهد شد، لکن به موازات اثرات مطلوب یاد شده، یکی از نگرانی‌های امر در طول تاریخ این مهم، اثرات تورمی ناشی از اجرای آن است. از همین رو تحقیق حاضر در پی آنست که با استناد به رهیافت داده – ستانده و الگوی ماتریس حسابداری اجتماعی، اثرات تورمی آن را بر شاخص قیمت بخش‌های تولیدی، شاخص رفاه و هزینه خانوار در سال ۹۵-۱۳۹۴ مورد سنجش قرار دهد. نتایج بیان میدارد که؛ کم‌ترین آثار تورمی ناشی از اجرای قانون مالیات بر ارزش افزوده، متوجه بخش‌هایی از اقتصاد است که مشمول معافیت‌های مقرر در قانون مزبور می‌باشد و نیز بیش‌ترین افزایش در شاخص‌های قیمتی، با توجه به ساختار هزینه‌ای بخش‌ها و پس از حذف مالیات‌های غیرمستقیم و اعمال نرخ‌های مقرر در قانون مزبور، تورمی کوچک‌تر از نرخ‌های تعیین شده را به همراه داشته و تورم پذیری آنها به‌طور تقریب به همان اندازه یا کوچک‌تر از نرخ‌های اعمال شده مالیاتی است.

**کلید واژه:** مالیات ارزش افزوده، جدول داده- ستانده، ماتریس حسابداری اجتماعی، تورم، بودجه خانوار

## مقدمه

دولت‌ها در راستای انجام وظایف خویشتن، نیازمند برخورداری از منابع درآمدی هستند. یکی از شاخصه‌های مهم تأمین این منبع، دریافت انواع مالیات است. تعامل مردم و دولت از طریق مالیات، یکی از مؤلفه‌های دموکراسی محسوب می‌شود. مالیات‌ها نیز قیمت یا بهای خدمات دولت است که مردم آن را می‌پردازند.

در هستی دولتی حجیم و متکی بر درآمدهای سهل الوصولی نظیر درآمدهای نفتی، عوارض گمرکی و غیره، مشابه اغلب موارد رؤیت شده در کشورهای در حال توسعه کارآیی سیستم مالیاتی تضعیف شده و صدمات وارده بر پیکر اقتصاد تشدید می‌گردد، از این رو یکی از اقدامات مؤثر در زمینه اصلاحات ساختاری در کشورهای کم‌تر توسعه‌یافته، اصلاح ساختار مالی آنهاست. همان‌گونه که تمایل مراجع بین‌المللی نظیر صندوق بین‌المللی پول<sup>۱</sup> و بانک جهانی<sup>۲</sup> نیز در این راستا طی سال‌های اخیر موجدانه و مؤگدانه در این مسیر قوت بیش‌تری را به خود گرفته است. اما همان‌طور که مشهود است اتخاذ هرگونه سیاست تثبیت و تغییر قیمتی از سوی دولت، جدای از ماهیت کارکرد سیستم، دارای اثرات گسترده‌ای در بطن اقتصاد و اجتماع کشور است که این مهم در کشورهای در حال توسعه، همان‌طور که گذشت، اهمیتی مضاعف می‌یابد. از اینرو نوشتار حاضر برآنست که اثرات مذکور را در برخی حوزه‌ها نظیر تغییرات شاخص قیمتی بخش‌های تولید کننده، تغییرات شاخص هزینه زندگی با رویکردی قیاسی بین خانوارهای شهری و روستایی و تغییرات شاخص دستمزدها در سال ۹۵-۱۳۹۴ با اتکاء به روش ماتریس حسابداری اجتماعی<sup>۳</sup> ۱۳۹۰ مورد سنجش قرار دهد.

بدین ترتیب در آغاز کلام؛ در بخش ۱، به بیان مباحثی نظری از حوزه مالیات ارزش افزوده پرداخته خواهد شد. سپس در بخش ۲ نوشتار، به بیان پیشینه‌ای از مطالعات انجام شده در حوزه مزبور پرداخته شده و در ادامه در بخش ۳، چارچوب نظری و تحلیلی مدل معرفی شده و در بخش ۴، پایه‌های آماری تحقیق مشخص خواهد شد. در پایان نیز در بخش ۵، جمع بندی از نتایج استحصالی در روند مطالعه ارائه گشته و نتیجه‌گیری‌های لازم به عمل خواهد آمد.

1- International Monetary Fund (IMF)

2- World Bank

۳- تهیه و تدوین مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی (اردیبهشت ماه ۱۳۹۴).

### ۱- مبانی نظری

تعریف "ماکس وبر" از دولت در موارد بسیاری مورد قبول علمی و عملی نزد اندیشمندان و صاحب‌نظران رشته‌های گوناگون است. وی دولت را سازمانی معرفی می‌نماید که انحصار اعمال زور مشروع در یک منطقه را در اختیار دارد (Greth & Mills, ۱۹۸۴). بدین ترتیب علاوه بر الزام وجود دولت از نظر کلی و هدایت امور سیاسی- اجتماعی جامعه به‌عنوان اصلی عقلایی و پذیرفته، از لحاظ اقتصادی نیز این موضوع اهمیتی بارز دارد و پیوندی عمیق و تاریخی با تولد مالیات!

#### ۱-۱- مالیات<sup>۱</sup>

در متون اقتصادی اغلب تعاریف متفاوت و متنوعی از مالیات آورده شده است که با وجود تنوع در ظاهر، در باطن اغلب به یک مفهوم همگراست. مالیات عبارتست از قسمتی از منابع مالی به‌دست آمده از اشخاص (حقیقی و حقوقی) که به خزانه‌داری دولت انتقال می‌یابد که البته در جریان انتقال می‌بایستی شروطی نیز رعایت گردد (شقایقی شهری، ۱۳۹۲، ۲۴۵-۲۵۳) این شروط عبارتند از:

- تناسب پرداختی‌ها با توان نسبی اشخاص (حقیقی و حقوقی)
  - شفاف سازی در مؤلفه‌های مقدار، زمان و پرداخت
  - رعایت شاخص انصاف در زمان و توان شخص و نیز حقوق دولت
- کاهش حداقل هزینه گردآوری مالیات (کرد بیچه، ۱۳۸۴)

البته بایستی تصریح نمود که مالیات‌ها صورت‌های مختلفی داشته و خود یکی از صورت‌های مختلف دریافتی‌های دولت است. انواع سایر دریافتی‌های دولت عبارتست از: درآمدهای نفتی، درآمدهای حاصل از مالکیت دولت، فروش سهام شرکت‌های دولتی، درآمد حاصل از فروش کالاها و خدمات و سایر درآمدها. (Gosh, S., 2008)

بدین ترتیب با روشن شدن حوزه شمول مالیات و جایگاه آن در ارتباط تنگاتنگی که با دولت دارد؛ می‌توان بیان داشت که درآمدهای مالیاتی یکی از منابع درآمدی بودجه عمومی دولت در ایران است که در اکثر سال‌ها بیش از ۳۰ درصد از درآمدهای عمومی دولت را به خود اختصاص داده است (شقایقی شهری، ۱۳۹۲). از آنجایی که

درآمدهای مالیاتی از طرق جمع آوری مالیات کسب شده و نرخ و پایه مالیاتی نیز توسط دولت تعیین می‌گردد، می‌توان سیاست‌های مالیاتی را در زمره‌ی ابزارهایی تلقی کرد که دولت از آن برای سیاست‌گذاری‌های مالی بهره می‌جوید (سخنور، ۱۳۸۴).

### ۲-۱- مالیات (بر) ارزش افزوده<sup>۱</sup>

"شاپ"<sup>۲</sup> در سال ۱۹۵۵ می‌گوید: "آخرین ابداع در زمینه مالیات‌ها، مالیات بر ارزش افزوده (مالیات ارزش افزوده) است. ظهور این مالیات در فرانسه فرآیندی را تشریح می‌کند که طی آن اشتیاق مداوم جهت اجرای این مالیات خام در زمان حال یا آینده، آن را به اختراع بزرگی تبدیل می‌کند!"

### ۱-۲-۱- تاریخچه مالیات (بر) ارزش افزوده در جهان

مالیات ارزش افزوده نسبت به سایر اشکال مالیاتی، قدمتی کم سال‌تر را داراست. گسترش سیستم مزبور یکی از ابداعات نوین و البته چالش بر انگیزی بود که در اواخر قرن بیستم مطرح گشت. پیش از آن مالیات غیرمستقیم داخلی در برخی کشورها مرسوم بود که تعداد محدودی از تولیدات را پوشش میداد و از این رو اقتصادهای داخلی را با اختلالاتی<sup>۳</sup> نظیر ادغام عمودی<sup>۴</sup> بنگاه‌های صنعتی و هدایت به سمت و سوی انحصارات، مواجه می‌ساخت (Keen, ۲۰۰۱).

ایده اصلی VAT، نخستین بار توسط یک مدیر آلمانی به نام "فون زیمنس"<sup>۵</sup> و در سال ۱۹۱۸ مطرح شد. بعدها در دهه ۲۰ میلادی، اجرای مالیات ارزش افزوده در فرانسه مطرح شد. بعد از جنگ جهانی دوم، شاپ اجرای آن را به دولت پیشنهاد داد (۱۹۴۹)، اما پیشنهاد وی مورد قبول واقع نگشت تا اینکه در سال ۱۹۴۸ برای اولین بار در فرانسه اجرا شد. در سال ۱۹۶۲ کمیته مالی اتحادیه اروپا اجرای آن را به کشورهای عضو توصیه نمود. تا اواسط دهه ۶۰ میلادی، مالیات ارزش افزوده، تنها در چند کشور اجرا می‌شد، اما گسترش استفاده و اجرای آن تا پایان دهه ۷۰ میلادی، همچنان ادامه داشت. پس از آن به مدت یک دهه، جریان رشد VAT، سیری نزولی را

1- Value Added Tax

2- SHoup-1955

3- Distortions

4- Vertical Integration

5- Von Siemens

به خود گرفت؛ اما مجدداً در نیمه دوم دهه ۸۰ و ۹۰ میلادی، روند رشد آن به اوج رسید. هم اکنون مالیات ارزش افزوده در بیش از ۱۹۰ کشور دنیا اجرا می‌شود.<sup>۱</sup>

### ۱-۲-۲ - تاریخچه مالیات ارزش افزوده در ایران

تلاش برای اجرای مالیات ارزش افزوده در ایران، قدمتی بالغ بر ۲۵ سال را داراست. نخستین بار در دی ماه ۱۳۶۶، لایحه مالیات ارزش افزوده به مجلس شورای اسلامی تقدیم شد، اما لایحه مذکور رأی نیاورد. در سال ۱۳۷۰ دپارتمان امور مالی وابسته به صندوق بین‌المللی پول، اجرای سیستم مالیات ارزش افزوده را با هدف اصلاح نظام مالیاتی جمهوری اسلامی ایران پیشنهاد داد، اما با همه تلاش‌های صورت گرفته شده، این مالیات به اجرا درنیامد تا اینکه در جلسه مورخ هفدهم اردیبهشت ماه سال هزار و سیصد و هشتاد و هفت کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی، طبق اصل هشتاد و پنجم (۸۵) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، کلیات طرح مزبور از تصویب مجلس گذشت.

قانون مزبور با ۵۳ ماده و ۴۷ تبصره برای اجرا ابلاغ شده است.<sup>۲</sup>

### ۱-۲-۳ - احتساب مالیات ارزش افزوده

سیستم مالیات ارزش افزوده را بر مبنای دو اصل مبدأ و مقصد<sup>۳</sup> می‌توان اجرایی نمود. در اصل مبدأ؛ مالیات ارزش افزوده بر تمام محصولات مشمول مالیاتی که در داخل تولید می‌شوند، اعمال می‌گردد. در اصل مقصد؛ مالیات ارزش افزوده بر تمام محصولات مشمول مالیاتی که در داخل مصرف می‌شوند، اعمال می‌گردد. تفاوت میان دو اصل مذکور، از نحوه برخورد با صادرات و واردات نشأت می‌گیرد، به گونه‌ای که در اصل مبدأ، صادرات مشمول مالیات است و در اصل مقصد، واردات مشمول مالیات است.

به‌طور کلی می‌توان بیان داشت که معمولاً مالیات ارزش افزوده، بر ۳ قسم استوار است؛

مالیات بر ارزش افزوده تولید<sup>۴</sup>، درآمد<sup>۵</sup> و مصرف<sup>۶</sup>.

1- IMF Staff Calculations (2012).

۲- سازمان امور مالیاتی کشور، قانون مالیات (بر ارزش افزوده (۱۳۸۷)

3- Origin and Destination Principle

4- Product type of Value Added Tax (P-VAT)

5- Proportional Income Tax (I-VAT)

6- Consumption type of Value Added Tax (C- VAT)

هم‌چنین می‌توان آثار اجرایی این نوع مالیات را نیز از ۳ جنبه آثار درآمدی، آثار تورمی و آثار توزیعی بررسی نمود که هدف مهم از نوشتار حاضر نیز، جدای انواع و اقسام مختلف این نوع از مالیات؛ بر این مهم استوار است که در بخش‌های مزبور و پیش رو به تفصیل بیان خواهد شد.

در ادامه بحث و پیش از آغاز معرفی مدل انخادی در نوشتار حاضر، به هدف کسب دورنمایی از پیشینه تحقیق، به شرح برخی مطالعات صورت گرفته خارجی و داخلی مباردت می‌گردد.

## ۲- پیشینه تحقیق

با نگاهی به بررسی‌های خارجی انجام شده کثرت تحقیقات صورت گرفته مبتنی بر رهیافت‌های داده - ستانده و الگوهای مرتبط نظیر ماتریس حسابداری اجتماعی، در مطالعات خارجی بیش‌تر از مطالعات داخلی ارزیابی می‌شود. در مطالعه حاضر سعی بر آن بوده است که برخی از تحقیقات اخیر انجام شده در این حوزه، ارائه گردد.

۱- "Christand, F. et al" (و دیگران)، در سال ۲۰۱۱ مطالعه‌ای در راستای اثرات افزایش نرخ مالیات بر ارزش افزوده را بر سطح قیمت‌ها و برای اقتصاد آلمان انجام داده‌اند. در این مطالعه، ۸ محصول مهم این کشور که شامل مالیات ارزش افزوده می‌باشد، مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است. نتایج حاصل از مطالعه مزبور بیان میدارد که افزایش قیمت در محصولات مورد مطالعه در مقایسه با برآوردی که حاصل از انتظارات تورمی در اقتصاد بوده است، کم‌تر ارزیابی می‌شود و افزایش قیمت‌ها در حد پیش بینی اولیه نبوده است.

۲- "Onji Kazuki" در سال ۲۰۰۹، به بررسی اثرات اجرایی سیستم مالیاتی VAT در اقتصاد ژاپن پرداخته است. در کشور ژاپن، اصلاحات مالیاتی یک تغییر عمده در سیستم مالیات ژاپن بوده است که اقتصاد ملی ژاپن را تحت تأثیر قرار داد، اما آنچه که این تغییر روش را به‌عنوان یک تجربه طبیعی جذاب نمود، پیدایش ناگهانی مشوق‌های مالیاتی است. VAT در این کشور یک طرح مالیاتی ممتاز را برای تجارت‌های کوچک که زیر ۵۰۰ میلیون ین فروش داشته‌اند را ارائه داد (روزبه و دیگران، ۱۳۹۱)

۳- "B.S.GillJet" در سال ۲۰۰۳ مطالعه‌ای با عنوان "اثرات تغییر در سیستم مالیات بر ارزش افزوده" جهت الحاق به اتحادیه اروپا را انجام داده است. این مدل، با

استفاده از یک مدل مالیاتی تعادل عمومی قابل محاسبه (CGE) برای اقتصاد ترکیه انجام شده است. نتایج تحقیق حاکی از آنست که تغییرات نرخ VAT اثر کمتری بر روی بخش‌های مصرفی داشته و اثرات روی بخش‌های تولیدی به دلیل کاهش در تقاضای کالاهای مصرفی، کاهش در سطح تولید بوده است. براساس نتایج این مطالعه، شبیه‌سازی قیمت تمامی بخش‌های مصرفی، افزایشی بین ۳٪ تا ۹/۶٪ را بیان داشته است.

با وجود حجیم بودن دولت در اقتصاد ایران، مطالعات نظری و تجربی در حوزه مالیه عمومی بسیار ناچیز ارزیابی می‌گردد. عمده مطالعات صورت گرفته نیز در حوزه‌های خرد انجام شده است. با این وجود در مطالعات داخلی شاهد مطالعاتی در زمینه اثرات تغییر مالیات‌ها با استفاده از روش‌های مبتنی بر الگوهای داده-ستانده، منطق فازی، تحلیل جدول داده-ستانده و الگوهای ماتریس حسابداری اجتماعی هستیم. در بررسی حاضر سعی شده است که به برخی از این مطالعات اشاراتی گردد:

۱- فاطمه صادقی، مطالعه‌ای تحت عنوان آثار تورمی و درآمدی مالیات ارزش افزوده را در سال ۱۳۸۲ انجام داده است. هدف از این نوشتار، بررسی آثار تورمی و درآمدی با استفاده از تکنیک داده-ستانده می‌باشد. نتایج حاصل از این بررسی نشان می‌دهد که از ۲۹ بخش اقتصاد، ۱۱ بخش اثرات قیمتی شدید و ۱۸ بخش اثرات قیمتی ضعیف دارند. همچنین نتایج اذعان میدارد که دامنه افزایش قیمت ناشی از اعمال VAT در بین ۲۹ بخش، بین ۱ تا ۱۰ درصد متفاوت بوده است. سهم مالیات ارزش افزوده از کل درآمدهای مالیاتی در روش اول ۵۷/۱٪ و در روش دوم به‌طور متوسط ۴۸/۴٪ محاسبه شده است.

۲- نورالدین شریفی در سال ۱۳۸۱، روشی را جهت مطالعه اثرات اقتصادی دریافت مالیات‌های غیرمستقیم بر هزینه‌های دولت با استفاده از الگوی داده - ستانده تدوین نموده است. این مقاله اثرات اخذ مالیات‌های غیرمستقیم از تولیدات بخش‌های اقتصادی را بر سطح قیمت‌ها و همچنین برآیند اثرات اخذ این مالیات‌ها و اثرات ناشی از انجام هزینه‌های جاری و عمرانی دولت بر تولید ناخالص منطقه با تحلیل ضرایب الگوی فوق سال ۱۳۷۱ برای استان گلستان بررسی می‌نماید.

۳- در بسیاری از مطالعات نیز شاهد بررسی اثرات حذف یارانه‌های انرژی بر بخش‌های تولیدی، رفاه خانوار و توزیع درآمدی هستیم. (به زعم برخی از صاحب‌نظران

حوزه اقتصاد، اثرات حذف یارانه‌ها کم و بیش مشابه با افزایش نرخ مالیات است. از جمله این موارد؛ می‌توان مطالعات ذیل را نام برد: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی (۱۳۹۳)؛ طی گزارشی به بررسی آثار حذف یارانه (مالیات ضمنی) سه دهک خانوارها بر تولید و توزیع درآمد نهادی پرداخته است. / مجید اسلامی اندارگلی، حسین صادقی و محمد مهدی خبازان (۱۳۹۰)، در مقاله‌ای در فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی (رشد و توسعه پایدار)، تأثیر اصلاح قیمت حامل‌های انرژی بر بخش‌های مختلف اقتصادی را با توسل به تکنیک داده-ستانده مورد بررسی قرار داده‌اند. در مطالعه حاضر، اثرات افزایش قیمت حامل‌های انرژی در قالب دو سناریو و در دو مرحله (اثرات مستقیم و غیرمستقیم) اعمال و محاسبه گشته است. / اصغر شاه‌میرادی، محسن مهرآرا و نوید فیاضی در سال ۱۳۸۹ در پژوهشی علمی، آثار آزادسازی قیمت حامل‌های انرژی را مورد بررسی قرار داده‌اند. در پژوهش حاضر، این اثر بر قیمت کالاها و خدمات، رفاه دهک‌های درآمدی خانوارها و بودجه دولت با استفاده از تحلیل‌های داده-ستانده و بر مبنای جدول ۱۳۸۳ بانک مرکزی مورد بررسی قرار گرفته است/ فهیمه محبی نیا در پایان‌نامه کارشناسی ارشد (۱۳۹۲) به بررسی اثرات تورمی حذف یارانه‌ها (مالیات ضمنی) بر بخش‌های اقتصادی، برآورد تورم در سطح کلی، بررسی اثرات تورمی بر رفاه خانوار بر مبنای ماتریس حسابداری اجتماعی پرداخته است.

با بیان تلخیصی از مطالعات صورت گرفته و مرتبط با حوزه مالیات و نیز حذف یارانه به‌عنوان مالیات ضمنی، در بخش بعدی به معرفی مدل اتخاذی پرداخته خواهد شد.

### ۲- مدل تحقیق

#### ۳-۱- جدول داده-ستانده

به‌طور کلی جهت سنجش و ارزیابی سیاست‌های اقتصادی بر رفاه، از دو قالب مدل کلی، می‌توان بهره جست. نوع اول، مدل‌های تعادل جزئی بوده و جهت بررسی سیاست‌های اقتصادی در سطح خرد و به عبارتی درون بخشی مناسب است، که این موضوع خود محدودیتی در این مدل‌ها را ایجاد کرده و اقتصاددانان را برآن داشته که در پی یافتن قالبی وسیع‌تر جهت نمایش آثار سیاست‌های اقتصادی اتخاذی برآیند. در واقع در قالب مدل‌های تعادل جزئی، نتایج برای یک بازار مشخص می‌شود؛ حال آنکه اثرات سیاست‌های اتخاذی و پیامدهای قیمت در یک بازار سریعاً تأثیرات خود را در



سایر بازارها نیز نمایان خواهد کرد و با لحاظ اثرات بین بخشی کلیه قسمت‌های یک اقتصاد، نتایج صحیح‌تری را موجب خواهد گشت. از این منظر؛ مدل‌های تعادل عمومی چارچوبی مناسب برای نشان دادن مجموعه پیچیده‌ای از ارتباط‌های اقتصادی و تأثیرات فرابخشی در سطح کلان می‌باشد که به‌طور هم‌زمان چند بازار در آن دیده می‌شود. مدل‌های تعادل عمومی در سه شکل داده - ستانده، ماتریس حسابداری اجتماعی؛ که بر پایه اطلاعات حاصل از جدول داده - ستانده و سایر اطلاعات جانبی مورد نیاز تدوین می‌گردد و سطح سوم مدل‌های تعادل عمومی محاسباتی؛ که خود مبتنی بر اطلاعات جدول داده - ستانده و ماتریس حسابداری اجتماعی است، تحقق می‌یابد.

سیستم داده - ستانده که اولین بار توسط "واسیلی لئونتیف"<sup>۱</sup> وارد ادبیات اقتصادی شد، در مجموع تصویری ایده آل از متغیرهای اساسی اقتصاد را به بیانی خلاصه به تصویر می‌کشد. از آنجایی که در جدول داده - ستانده موازنه‌های اساسی بین منابع و مصارف بخش‌های مختلف اقتصادی و هم‌چنین میزان اتکاء و تأثیرپذیری بخش‌های مختلف اقتصادی در قالبی کمی بیان می‌شود، می‌توان با بررسی و مشاهده اثرات مربوط به سیاست‌های اتخاذی مختلف، پیش‌بینی‌های بین بخشی متغیرهای مختلف را تبیین نمود (زورار، ۱۳۸۶). از سال ۱۹۵۰ تا کنون بسیاری از کشورها، تهیه و تدوین این جداول را در دستور کار قرار داده‌اند، به نحوی که به جرأت می‌توان بیان داشت امروزه هیچ کشوری وجود ندارد که تاکنون مبادرت به تهیه‌ی این جدول نکرده باشد. در واقع امروزه رقابت بر سر تهیه این جداول در فواصل زمانی کوتاه و به‌هنگام سازی سالانه است (بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۷).

جدول داده - ستانده، بیانگر چگونگی تشکیل محصول در هر رشته فعالیت (بخش)، توزیع آن بین بخش‌های مختلف و سهم عوامل تولید در ارزش افزوده ایجاد شده در هر رشته فعالیت می‌باشد. یک مدل داده - ستانده را می‌توان در دو شکل مقادیر فیزیکی یا ارزش‌های پولی تدوین نمود؛ لکن فارغ از هرگونه‌ی نمایش، این جدول جریان کالاها و خدمات بین بخش‌های اقتصادی طی یک دوره زمانی مشخص یکساله را نشان می‌دهد (جهانگرد، ۱۳۹۳، ۲۸-۲۴). ساختار کلی جدول داده - ستانده در جدول ۱ نشان داده شده است.

1- Wassily Leontief

جدول ۱- تصویر کلی جدول داده- ستانده

بخش ها	مصارف واسطه		مصارف نهایی				تولید	واردات	عرضه = تقاضا
	کل	1...j...n	مصرف	مخارج دولت	سرمایه‌گذاری	صادرات			
بخش‌های اقتصادی به تفکیک	ناحیه ۱		ناحیه ۲						
ارزش افزوده	ناحیه ۳		ناحیه ۴						
تولید									

مأخذ: جدول داده- ستانده سال ۱۳۶۵ ایران

مدل‌های تعادل عمومی معمولاً شامل تعداد زیادی متغیر همراه با روابط پیچیده ریاضی می‌باشد و جدول داده- ستانده از این منظر که در واقع کاربرد تجربی الگوهای نظری تعادل عمومی در اقتصاد است جهت بررسی موضوع مورد نظر مناسب می‌باشد؛ لکن در تحقیق حاضر، مدل اتخاذی، جهت سنجش اثرات سیاست‌های اتخاذی در کشور در سال‌های اخیر، مشخصاً به کارگیری یکی از ابتکارات این روش موسوم به الگوی ماتریس حسابداری اجتماعی است. از آنجا که افزایش قیمت یا به عبارتی افزایش نرخ مالیاتی، به‌طور غیرمستقیم شاخص بهای تولیدات بخش‌های مختلف را تحت تأثیر قرار می‌دهد و با توجه به اینکه روش داده - ستانده<sup>۱</sup> از توان اندازه‌گیری این اثرات غیرمستقیم برخوردار است، بررسی اثرگذاری متقابل بسیاری از متغیرهای مدنظر بر روی هم با استفاده از این روش و رهیافت مسیر ساختاری (الگوی SAM) خواهد بود. اهمیت این روش در این است که علاوه بر شاخص قیمت در بخش‌های مختلف تولیدی، با درنظر گرفتن شاخص هزینه زندگی خانوارها آثار روانی و انتظاراتی را نیز شامل می‌شود (زورار، ۱۳۸۶، ۴۸-۳۷).

### ۳-۲- ماتریس حسابداری اجتماعی<sup>۲</sup>

در نظام حساب‌های ملی (SNA)، تهیه ماتریس حسابداری اجتماعی (SAM) به‌عنوان یک ابزار آماری جهت تجزیه و تحلیل نقش نهادهای اقتصادی، به‌ویژه خانوارها<sup>۳</sup>

1- Input-Output Method  
2- Social Accounting Matrix  
3- Households

در ایجاد و توزیع درآمد توصیه می‌گردد. چارچوب آماری موجود در این ماتریس، بررسی آثار سیاست‌های اقتصادی بر خانوارها و سایر نهادهای اقتصادی را امکان‌پذیر می‌سازد (بانویی، ۱۳۸۴، ۱۸-۱۲).

یکی از عمده‌ترین دلایل به کارگیری ماتریس مذکور، انعطاف پذیری آن نسبت به سایر نظام‌های حسابداری است. به بیانی در این قالب، تبیین تعامل بازارهای مختلف مانند بازار کالاها و خدمات، بازار تولیدکنندگان، بازار مصرف‌کنندگان، بازار کار و غیره با یکدیگر به صورتی منطقی ظاهر می‌گردد. ماتریس حسابداری اجتماعی، پوشش گسترده‌تری از اطلاعات یک اقتصاد را در بر دارد، چرا که علاوه بر پوشش آماری و اطلاعات شاخص‌های کلان اقتصادی مانند تولید کل، مصرف کل و غیره و نیز آمارهای بخشی یک اقتصاد که از جدول داده- ستانده اخذ می‌نماید، آمارهای اجتماعی و مردمی<sup>۱</sup> را نیز به آن اضافه کرده و تصویر شفاف‌تری از ساختار اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و قومی یک ملت را ارائه می‌نماید. این ماتریس، جریان‌های پولی را از طریق ستون‌ها (هزینه‌ها) و ردیف‌ها (درآمدها) نمایش می‌دهد. در الگوی داده- ستانده، ضرایب واسطه بین بخشی، نقشی مهم را در فرآیند تولید دارند، لکن به علت ماهیت برونزا بودن اجزای تقاضای نهایی و از دیگر سوی اجزای عرضه اقتصاد، تعامل بین دو طرف ایجاد نمی‌شود، اما همین نارسایی‌ها در الگوی SAM برطرف می‌گردد. به عبارتی عمده تمرکز فعل و انفعالات ماتریس حسابداری اجتماعی بر خانوارها و نحوه ایجاد و توزیع درآمد آنهاست (زورار، ۱۳۸۴، ۵۰-۴۰).

در ادامه بحث، در ابتدا توضیحاتی در خصوص مکانیزم شکل‌گیری قیمت در ساختار ماتریس حسابداری اجتماعی؛ که در واقع قیمت را به نوعی به هزینه‌های تولید مرتبط می‌سازد، ارائه شده و سپس به نحوه محاسبه قیمت‌ها پرداخته خواهد شد.

### ۳-۲-۱- ساختار ماتریس حسابداری اجتماعی

جهت تبدیل SAM به یک الگوی تحلیلی، تفکیک حساب‌های موجود در دو گروه حساب‌های درونزا و برونزا به منظور تعیین حوزه فعالیت مکانیزم‌های موجود در مدل، الزامی است، از آن جهت که بتوان حوزه‌ی فعالیت مکانیزم‌های موجود در مدل را تعیین

کرد. بدین ترتیب می‌توان از دو نگاه کلی، ارقام موجود در ماتریس حسابداری اجتماعی را تفسیر نمود؛ در بعد اول اگر از منظر درآمدی نگریسته شود، می‌توان مشاهده نمود که درآمد هر کدام از حساب‌های درونزا و نیز برونزا از ۲ بخش هزینه‌ای تشکیل می‌شود، بخشی مربوط به هزینه حساب‌های درونزا و بخشی که هزینه حساب‌های برونزا را در بر می‌گیرد.

شبیه‌سازی فوق با در نظر گرفتن فرم خلاصه شده از جدول SAM برای تراز درآمدی حساب‌های درونزا برابر است با درآمد خود حساب‌های درونزا ( $T_{nn}$ ) که شامل مبادلات واسطه و انتقالات بوده ( $n$ )، به‌علاوه دریافتی از دنیای خارج ( $X$ ). لذا می‌توان با در نظر گرفتن  $Y_n$  به‌عنوان نشانگر کل درآمد حساب‌های درونزا، فرم آن را به صورت زیر بیان کرد:

$$Y_n = n + X \quad (1)$$

به طریق مشابه درآمد حساب‌های برونزا با منطق موجود در SAM، را می‌توان بدین صورت بیان کرد:

$$Y_x = L + T \quad (2)$$

که در رابطه بیان شده منظور از  $Y_x$  سطح کل درآمد حساب‌های برونزا،  $L$  میزان دریافتی حساب‌های برونزا از حساب‌های درونزا (یا همان مخارج حساب‌های درونزا) و  $T$  مقدار دریافتی حساب‌های برونزا از خود حساب‌های برونزا است.

شاخص قیمتی برای گروه حساب‌های تولیدی متناظر و مشابه با احتساب رابطه درآمدی حساب‌های تولیدی، به صورت زیر قابل تعمیم است:

$$P_1 = P_1 A_{11} + P_2 A_{21} + L_1 (\dots) \quad (3)$$

$$P_1 = (P_2 A_{21} + L_1) (I - A_{11})^{-1} (\dots) \quad (4)$$

مجموعه روابطی که شاخص قیمت را برای هر ۳ گروه از حساب‌های درونزا مشخص می‌کند عبارتست از:

$$P_1 = P_1 A_{11} + P_2 A_{21} + L \quad (5)$$

$$P_2 = P_3 A_{32} + L_2 \quad (6)$$

$$P_3 = P_1 A_{13} + L_3 \quad (7)$$

نکته قابل ذکر آنست که؛ جهت محاسبه قیمت‌ها در سطح بخش‌های مختلف، تمام روابط بالا بایستی به‌طور همزمان مورد بررسی قرار گیرند. از روابط فوق می‌توان نتیجه

گرفت که قیمت حساب‌های درونزا در ماتریس حسابداری اجتماعی به یکدیگر و نیز به سطح متغیرهای برونزای مدل مربوط می‌باشند.

فرم خلاصه شده ماتریسی روابط بالا را می‌توان به شکل ذیل نیز بیان داشت:

$$P = PA_n + L \quad (۸)$$

$$P - PA_n = L \quad (۹)$$

$$P (I - A_n) = L \quad (۱۰)$$

$$P = L (I - A_n)^{-1} \quad (۱۱)$$

$$P = LM \quad (۱۲)$$

در روابط بالا بردار ردیفی  $(P_1 \ P_2 \ P_3)$ ؛ قیمت برای حساب‌های درونزای مدل SAM بوده،  $A$ ؛ ماتریس میل متوسط به مصرف،  $L$ ؛ بردار ردیفی متشکل از متغیرهای برونزای مدل و  $M$ ؛ ماتریس ضرایب فزاینده در مدل می‌باشد.

یکی از مهم‌ترین اهداف در تدوین ماتریس حسابداری اجتماعی، تبدیل و به‌کارگیری آن به‌عنوان ابزاری در جهت بررسی آثار ناشی از اتخاذ سیاست‌های اقتصادی نظیر یارانه‌هاست؛ بنابراین اصل، بایستی مدل SAM قادر به شبیه سازی آثار مذکور باشد. لازمه این شبیه سازی در مدل SAM، از ارتباط بین متغیرهای برونزا و درونزا و از طریق ماتریس ضرایب فزاینده میسر و برقرار می‌گردد.

جهت بیان نحوه عملکرد ضرایب فزاینده در الگوی SAM؛ ارتباط شاخص قیمت حساب‌های درونزا با سطح متغیرهای برونزای مدل از طریق ماتریس  $M$  را می‌توان به شکل زیر گسترش داد:

$$(P_1 \ P_2 \ P_3 \ \dots \ P_n) = (L_1 \ L_2 \ L_3 \ \dots \ L_n) \begin{pmatrix} m_{11} & m_{12} & m_{13} & \dots & m_{1n} \\ m_{21} & m_{22} & m_{23} & \dots & m_{2n} \\ m_{31} & m_{32} & m_{33} & \dots & m_{3n} \\ \vdots & \vdots & \vdots & \dots & \vdots \\ m_{n1} & m_{n2} & m_{n3} & \dots & m_{nn} \end{pmatrix} \quad (۱۳)$$

شکل عمومی رابطه قیمت برای یک حساب خاص مثلاً  $(i)$  نیز بدین صورت خواهد

بود که :

$$P_i = \sum_{j=1}^n L_j m_{ij} \quad i, j = 1, \dots, n \quad (۱۴)$$

$$\frac{\partial P_i}{\partial L_j} = m_{ij} \quad , \quad m_{ij} \in M \quad i, j = 1, \dots, n \quad (15)$$

در رابطه ۱۵،  $m_{ij}$  تغییر در قیمت حساب (i) ام مدل را در اثر یک واحد تغییر در هزینه حساب (j) ام نمایش می‌دهد.

در یک جمع بندی کلی می‌توان اظهار داشت که؛ ماتریس حسابداری اجتماعی دربرگیرنده ارتباطات میان فعالیت‌های تولیدی و توزیع درآمد ناشی از آن میان عوامل تولید است و در واقع ماتریس انتقال ارزش افزوده از فعالیت‌های تولیدی به عوامل تولید می‌باشد. از طرفی توزیع درآمد میان نهادهای اجتماعی را نیز نشان می‌دهد. به علاوه ماتریس مذکور، نحوه مصرف درآمد نهادهای اجتماعی-اقتصادی را در ساختار کلی یک اقتصاد به نمایش می‌گذارد. منظور از گروه‌های اقتصادی و اجتماعی خانوارها، در واقع تبیین الگوی مصرف خانوارها بر مبنای معیارهای مختلفی، نظیر طبقه‌بندی‌های جغرافیایی، سرپرست، جنس، سود و غیره می‌باشد.

#### ۴- پایه‌های آماری

ماتریس حسابداری اجتماعی مورد استفاده در مطالعه حاضر، ماتریس حسابداری اجتماعی سال ۱۳۹۰ کشور، تهیه و تدوین مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی است که با توجه به عدم در دسترس بودن جدول آماری داده-ستانده سال ۱۳۹۰ کشور<sup>۱</sup>، بر پایه جدول بهنگام شده سال ۱۳۹۰<sup>۲</sup> کشور، تهیه و تدوین گشته است و مبنای محاسبات برای سال ۱۳۹۴-۹۵ قرار خواهد گرفت.

از آنجایی که معافیت‌های مقرر در قانون مالیات ارزش افزوده نه براساس بخش‌های اقتصادی بلکه بر اساس محصولات اقتصادی تفکیک شده است، بنابراین فقط هفت بخش از بخش‌های فوق که شامل کشت محصول (زراعت و باغداری)، پرورش حیوانات، ماهیگیری، تولید کاغذ و محصولات کاغذی، انتشار و چاپ و... ساختمان خصوصی، ساختمان دولتی و آموزش می‌باشد مشمول معافیت کامل می‌گردد و سایر بخش‌ها به علت عدم شمول معافیت کامل یا قسمتی از فعالیت‌های زیرمجموعه بخش‌ها در این

۱- آخرین جدول داده - ستانده آماری تهیه شده در کشور جدول داده - ستانده سال ۱۳۸۰ مرکز آمار ایران است.

۲- تهیه شده توسط همین مرکز بر مبنای روش راس تعدیل شده و بر پایه جدول آماری سال ۱۳۸۰ مرکز آمار ایران.

تحقیق مشمول معافیت قرار نمی گیرد، به عنوان مثال فعالیت‌های مربوط به جابه‌جایی مسافر در بخش‌های حمل و نقل ریلی، جاده‌ای، آبی و هوایی طبق بند ۲۱ ماده قانون مزبور از مالیات موضوع این قانون معاف می باشد اما فعالیت‌های مربوط به حمل و نقل ۱۲ کالا به عنوان قسمتی از فعالیت بخش‌های ذکر شده مشمول مالیات این قانون قرار نمی‌گیرد. از طرفی در خصوص برخی فعالیت‌های خدماتی مانند خدمات مالی (بیمه و بانکداری) و بهداشت و درمان نیز، جهت سنجش اثرات تورمی، بخش‌های مزبور بدون شمول معافیت مالیاتی در نظر گرفته شده‌اند.

بنابراین اجرای مدل تحقیق و تعیین میزان اثرات اجرای قانون مالیات ارزش افزوده بر تورم در بخش‌های مختلف اقتصاد ایران با در نظر گرفتن معافیت برای هفت بخش از ۷۱ بخش اقتصادی به شرح جدول ۲ انجام می‌گیرد. البته بایستی اذعان نمود که چون ماتریس حسابداری اجتماعی استفاده شده، بر پایه جدول بهنگام و نه آماری تدوین شده است و از آنجایی که جداول بهنگام به شکل بخشی هستند و نه کالایی، به همین دلیل در جداسازی دقیق کالاها از بخش مورد نظر و اعمال تغییرات، نتایج استحصالی دارای کمی اربیبی و تقریب می‌باشد.

بر این مبنا در حالت اول؛ شاخص قیمت‌ها برای هر یک از بخش‌های تولیدی، شاخص هزینه رفاه هریک از خانوارها به تفکیک شهری و روستایی و نیز به تفکیک دهک‌های درآمدی و نیز شاخص دستمزد، بدون افزایش نرخ پایه مالیات محاسبه شده و در حالت بعدی با افزایش نرخ مالیات به میزان افزایش ۹٪<sup>۱</sup> محاسبه شده و سپس تغییرات قیمتی دو حالت (قبل از افزایش و بعد از افزایش نرخ مالیات ارزش افزوده) به شرح جدول ۲ ارائه شده است.

۱- با توجه به مصوبه مجلس شورای اسلامی در خصوص افزایش ۱ درصدی سالانه مالیات بر ارزش افزوده و اجرایی شدن آن، در سال ۱۳۹۰ نرخ مالیات مزبور ۴٪ بوده است که در تحقیق حاضر آثار تورمی برای سال‌های بین ۹۵-۱۳۹۴ و با نرخ معادل ۹٪، برآورد خواهد شد.

جدول ۲- اثرات و نتایج شبیه سازی افزایش قیمتی مالیات بر ارزش افزوده بخشی

ردیف	رشته فعالیت	تغییرات قیمتی
۱	زراعت و باغداری	۲/۲۰۲۷
۲	دامداری، مرغداری، پرورش کرم ابریشم و زنبور عسل و شکار	۲/۶۵۱۹
۳	جنگلداری	۳/۹۸۶۱
۴	ماهگیری	۳/۶۸۳۷
۵	نفت خام و گاز طبیعی	۶/۲۴۰۶
۶	سایر معادن	۴/۶۶۶۴
۷	ساخت محصولات غذایی و انواع آشامیدنی‌ها	۱/۹۶۲۰
۸	ساخت محصولات از توتون و تنباکو	۲/۳۵۸۱
۹	ساخت منسوجات	۲/۴۲۵۱
۱۰	ساخت پوشاک، عمل آوری و رنگ کردن خز	۱/۴۲۸۰
۱۱	دباغی و پرداخت چرم و سایر محصولات چرمی	۳/۱۴۵۶
۱۲	ساخت چوب و محصولات چوبی	۳/۱۵۴۹
۱۳	ساخت کاغذ و محصولات کاغذی	۲/۵۴۸۱
۱۴	انتشار، چاپ و تکثیر رسانه‌های ضبط شده	۳/۶۶۳۶
۱۵	ساخت کک، فراورده‌های حاصل از تصفیه نفت و سوخت‌های هسته‌ای	۳/۵۱۶۷
۱۶	ساخت مواد شیمیایی و محصولات شیمیایی	۲/۱۶۵۴
۱۷	ساخت محصولات از لاستیک و پلاستیک	۲/۹۵۴۰
۱۸	ساخت سایر محصولات کانی غیرفلزی	۳/۹۱۸۹
۱۹	ساخت فلزات اساسی	۲/۲۱۲۹
۲۰	ساخت محصولات فلزی فابریکی بجز ماشین آلات و تجهیزات	۲/۹۲۶۶
۲۱	ساخت ماشین‌آلات و تجهیزات طبقه‌بندی نشده در جای دیگر	۱/۳۵۲۸
۲۲	ساخت ماشین آلات دفتری، حسابداری و محاسباتی	۱/۷۲۹۸
۲۳	ساخت ماشین آلات و دستگاه‌های برقی طبقه‌بندی نشده در جای دیگر	۲/۸۱۹۰
۲۴	ساخت رادیو و تلویزیون، دستگاه‌ها و وسایل ارتباطی	۱/۱۳۶۳



ردیف	رشته فعالیت	تغییرات قیمتی
۲۵	ساخت ابزار پزشکی، ابزار اپتیکی، ابزار دقیق و انواع ساعت	۲/۴۰۳۷
۲۶	ساخت وسایل نقلیه موتوری، تریلر و نیم تریلر	۲/۳۲۵۱
۲۷	ساخت سایر تجهیزات حمل و نقل	۲/۴۹۴۷
۲۸	ساخت مبلمان، مصنوعات طبقه‌بندی نشده در جای دیگر و بازیافت	۳/۱۳۷۲
۲۹	برق	۵/۲۱۷۷
۳۰	توزیع گاز طبیعی	۵/۰۲۷۴
۳۱	آب	۳/۷۹۹۱
۳۲	ساختمان‌های مسکونی	۳/۶۴۲۵
۳۳	سایر ساختمان‌ها	۳/۷۰۸۸
۳۴	عمده فروشی، خرده فروشی، تعمیر وسایل نقلیه و کالاها	۳/۷۱۴۴
۳۵	هتل و خوابگاه	۳/۱۹۲۱
۳۶	رستوران	۳/۳۰۰۱
۳۷	راه آهن	۳/۷۱۱۲
۳۸	حمل و نقل جاده‌ای	۳/۴۰۸۱
۳۹	حمل و نقل لوله‌ای	۳/۴۹۱۵
۴۰	حمل و نقل آبی	۳/۰۳۰۱
۴۱	حمل و نقل هوایی	۳/۳۶۰۰
۴۲	خدمات پشتیبانی و انبارداری	۴/۷۴۸۲
۴۳	پست و مخابرات	۴/۴۰۰۹
۴۴	بانک	۳/۵۳۸۵
۴۵	سایر واسطه‌گری‌های مالی و فعالیت‌های جنبی آنها	۵/۲۷۷۵
۴۶	بیمه	۴/۸۱۷۱
۴۷	خدمات واحدهای مسکونی شخصی	۶/۲۰۸۷
۴۸	خدمات واحدهای مسکونی اجاری	۳/۲۸۰۱

ردیف	رشته فعالیت	تغییرات قیمتی
۴۹	خدمات واحدهای غیرمسکونی	۳/۳۱۲۰
۵۰	خدمات دلان مستغلات	۳/۴۱۴۱
۵۱	کرایه و خدمات کسب و کار	۳/۵۴۲۱
۵۲	امور عمومی	۴/۱۵۶۰
۵۳	خدمات شهری	۴/۶۰۴۶
۵۴	امور دفاعی	۳/۰۷۷۶
۵۵	امور انتظامی	۳/۲۸۴۷
۵۶	تأمین اجتماعی اجباری	۴/۱۵۶۶
۵۷	آموزش ابتدائی دولتی	۲/۸۷۳۹
۵۸	آموزش ابتدائی خصوصی	۳/۵۲۷۳
۵۹	آموزش متوسطه عمومی و متوسطه فنی و حرفه‌های دولتی	۲/۹۵۴۹
۶۰	آموزش متوسطه عمومی و متوسطه فنی و حرفه‌های خصوصی	۳/۵۲۸۹
۶۱	آموزش عالی دولتی	۳/۵۱۶۳
۶۲	آموزش عالی خصوصی	۳/۵۰۷۲
۶۳	آموزش بزرگسالان دولتی	۳/۴۷۲۴
۶۴	آموزش بزرگسالان خصوصی	۴/۲۴۹۴
۶۵	بهداشت و درمان دولتی	۳/۲۱۸۱
۶۶	بهداشت و درمان خصوصی	۴/۵۰۹۰
۶۷	دامپزشکی	۳/۷۲۳۷
۶۸	مددکاری اجتماعی	۲/۹۵۰۸
۶۹	تفریحی، فرهنگی، و ورزشی	۴/۰۱۳۶
۷۰	مذهبی و سیاسی	۳/۶۷۵۲
۷۱	سایر خدمات	۳/۹۲۵۴
۷۲	جبران خدمات	۲/۵۱۵۴
۷۳	درآمد مختلط	۲/۵۴۰۶

ردیف	رشته فعالیت	تغییرات قیمتی
۷۴	مآزاد عملیاتی	۶/۵۵۷۷
۷۵	دهک اول- خانوار شهری	۲/۷۰۰۴
۷۶	دهک دوم- خانوار شهری	۲/۶۰۷۷
۷۷	دهک سوم- خانوار شهری	۲/۵۶۰۴
۷۸	دهک چهارم- خانوار شهری	۲/۵۳۲۷
۷۹	دهک پنجم- خانوار شهری	۲/۵۸۱۷
۸۰	دهک ششم- خانوار شهری	۲/۵۴۹۴
۸۱	دهک هفتم- خانوار شهری	۲/۵۷۳۰
۸۲	دهک هشتم- خانوار شهری	۲/۶۱۹۳
۸۳	دهک نهم- خانوار شهری	۲/۷۴۰۷
۸۴	دهک دهم- خانوار شهری	۲/۲۱۰۱
۸۵	دهک اول- خانوار روستایی	۲/۸۴۸۲
۸۶	دهک دوم- خانوار روستایی	۲/۸۳۲۴
۸۷	دهک سوم- خانوار روستایی	۲/۸۲۶۳
۸۸	دهک چهارم- خانوار روستایی	۲/۸۴۶۴
۸۹	دهک پنجم- خانوار روستایی	۲/۸۵۷۷
۹۰	دهک ششم- خانوار روستایی	۲/۸۸۴۳
۹۱	دهک هفتم- خانوار روستایی	۲/۸۷۸۴
۹۲	دهک هشتم- خانوار روستایی	۲/۹۶۲۵
۹۳	دهک نهم- خانوار روستایی	۲/۸۸۷۶
۹۴	دهک دهم- خانوار روستایی	۲/۷۱۶۲

## ۵- جمع بندی

به‌طور عمومی یکی از مباحث مهم و مطرح در مالیات ارزش افزوده؛ به موازات سایر اثرات، آثار تورمی آن است. این مهم حتی در برخی از سیستم‌های مالیاتی دنیا، به‌عنوان عاملی بازدارنده در راستای اجرای این نوع از مالیات شناخته می‌شود. با استناد به جدول ۲ در خصوص نتایج افزایش قیمت شبیه سازی مدل با احتساب نرخ ۹٪؛ همان‌گونه که مشاهده می‌گردد، با اجرای قانون مالیات ارزش افزوده، مصوب مهرماه ۱۳۸۷، بر حسب نرخ‌های مقرر سالانه؛ مشاهده می‌گردد که به‌طور تقریبی، شاخص قیمت‌ها در بخش‌های مختلف جدول داده- ستانده (نسخه چهارم سیستم بین‌المللی طبقه‌بندی رشته فعالیت‌های اقتصادی<sup>۱</sup>)، به شکل جدول ۲ حاصل گردد که در مجموع آثار تورمی بین ۱/۱۳٪ را در بخش ساخت دستگاه‌ها و وسایل ارتباطی تا ۶/۲۴٪ را در بخش نفت خام و گاز طبیعی در بر دارد.

از جدول ۲ واضح است که کم‌ترین آثار تورمی ناشی از اجرای قانون مالیات ارزش افزوده، متوجه بخش‌هایی از اقتصاد است که مشمول معافیت‌های مقرر در قانون مزبور می‌باشد و بیش‌ترین افزایش در شاخص‌های قیمتی، با توجه به ساختار هزینه‌ای بخش‌ها و پس از حذف مالیات‌های غیرمستقیم و اعمال نرخ‌های مقرر در قانون مزبور نیز، تورمی کوچک‌تر از نرخ تعیین شده را به همراه داشته و تورم پذیری آنها به‌طور تقریب به همان اندازه یا کوچک‌تر از نرخ اعمال شده مالیات ارزش افزوده است. در خصوص اثرات تورمی بر روی شاخص دستمزدها نیز به ترتیب همان اثرات تورمی بخش‌های اقتصادی مشاهده می‌گردد، به‌طوری‌که در خصوص اجرای این نرخ مالیاتی و اعمال آن، شاخص دستمزد (جبران خدمات)، اثر تورمی ۲/۵٪ را خواهد داشت.

در رابطه با اثرات تورمی بر خانوارهای شهری و روستایی؛ در منطق ماتریس حسابداری اجتماعی، اثرات مترتب به شکل افزایش در ساختار هزینه‌ای خانوارها بوده و اثرات تورمی معادل با کاهش رفاه خانوار در نظر گرفته می‌شود؛ از اینرو بیش‌ترین کاهش رفاه خانوار در مقایسه بین خانوارهای شهری و روستایی مربوط به خانوارهای روستایی بوده و در این طیف نیز بیش‌ترین اثرات را دهک هشتم و نهم خانوار متحمل می‌گردد.

1- International Standard Industries Classification (ISIC)

نتایج مطروحه فوق، نتایج استحصالی از اجرای یکی از قالب مدل‌های عمومی، موسوم به ماتریس حسابداری اجتماعی بود که به شرح فوق گذشت، البته در این راستا بایستی به این مهم نیز توجه نمود که احتساب سطح عمومی قیمت‌ها، در کنار سایر عوامل به نرخ اعمال شده، طیف بخش‌های مشمول و غیرمشمول این نوع مالیات و نیز اعداد مندرج در جدول داده- ستانده و ماتریس حسابداری اجتماعی نیز بستگی خواهد داشت.

با توجه به برآوردهای این نوشتار و البته در نظر داشتن پیش فرض‌های آن و همچنین تجربه سایر کشورها، می‌توان دریافت که اجرای مالیات ارزش افزوده (به ویژه اگر به صورت جایگزینی با دیگر صورت‌های مالیاتی باشد)، به خودی خود تورم شتابان و کنترل نشده‌ای را به همراه ندارد، همان‌گونه که نتایج اجرای مدل نیز گویای این واقعیت بوده و در هر یک از شاخص قیمت‌های مورد مطالعه؛ اعم از شاخص‌های قیمتی بخش‌های تولید کننده و شاخص‌های رفاه خانوار، تورم استحصالی کم‌تر از نرخ اعمالی است، اما اگر عاملان اقتصادی (مصرف کننده و تولید کننده) انتظار افزایش قیمت‌ها را داشته و سعی نمایند که از خود در مقابل این افزایش قیمت محافظت کنند، در این صورت ممکن است که اجرای این مالیات تورم شتابانی را دامن زند.

### فهرست منابع

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی (۱۳۹۴)، پایه‌های آماری بهنگام سازی جدول داده- ستانده برای سال ۱۳۹۰ (ویرایش دوم)، معاونت پژوهش‌های اقتصادی، دفتر مطالعات اقتصادی، خرداد ۹۴.

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی (۱۳۹۴)، پایه‌های آماری ماتریس حسابداری اجتماعی برای سال ۱۳۹۰ (ویرایش اول)، معاونت پژوهش‌های اقتصادی، دفتر مطالعات اقتصادی، خرداد ۹۴.

جهانگرد، اسفندیار. (۱۳۹۳)، تحلیل‌های داده - ستانده، نشر آماره، تهران، چاپ اول.

محبی نیا، جهانبخش. (۱۳۹۳). نامه‌ای به رئیس جمهور. مردم سالاری. صفحه ۲.

اسلامی اندارگلی، مجید؛ صادقی، حسین و خبازان، محمد (۱۳۹۰). تأثیر اصلاح قیمت حامل‌های انرژی بر بخش‌های مختلف اقتصادی با استفاده از جدول داده-ستانده. فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی، سال سیزدهم، شماره دوم.

کمرئی، جواد. (۱۳۸۸). بررسی مقایسه‌ای تأثیر مخارج جاری و سرمایه‌ای دولت بر رشد اقتصادی در گروه منتخب کشورهای اسلامی خاورمیانه، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس.

بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران. (۱۳۸۷)، ماتریس حسابداری اجتماعی برای اقتصاد ایران در سال ۱۳۷۸، معاونت اقتصادی، اداره حساب‌های اقتصادی.

بانوئی، علی اصغر. (۱۳۸۴)، آثار سیاست‌های اقتصادی بر رفاه خانوار. مطالعه کاهش یارانه حامل‌های انرژی و کالاهای اساسی، مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی.

سوری، علی. (۱۳۸۴)، تحلیل داده-ستانده، همدان، انتشارات نور علم.

کرد بچه، محمد. (۱۳۸۴)، بررسی درآمدهای مالیاتی در ایران، مجله برنامه و بودجه. شماره ۲۵ و ۲۶.

پیرایی، خسرو. اکبری مقدم، بیت اله (۱۳۸۴). اثر کاهش یارانه بخش کشاورزی و تغییر در نرخ مالیات بر کار؛ بر تولید بخشی و رفاه خانوارهای شهری و روستایی در ایران (براساس الگوهای CGE و SAM سال ۱۳۷۵)، فصلنامه پژوهش‌های اقتصاد ایران، بهار ۸۴.

زورار، پرمه. همایش اقتصاد یارانه (۱۳۸۶). مجموعه مقالات. دانشگاه امام صادق علیه السلام، کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی و وزارت بازرگانی، تهران: دانشگاه امام صادق (ع)، چاپ اول.

اندایش، یعقوب و مهدیه، امید. (۱۳۸۳). بررسی مالیات‌ها بر شاخص قیمت تولید کننده با رهیافت تحلیل مسیر ساختاری (SAM)، فصلنامه بررسی‌های اقتصادی، شماره ۲۵.

بانوئی، علی اصغر و عسگری، منوچهر (۱۳۸۲). تحلیل ضرایب فزاینده در الگوی چند تولید کننده و چند مصرف کننده ماتریس حسابداری اجتماعی، مجموعه مقالات دومین همایش تکنیک‌های داده-ستانده و کاربردهای آن در برنامه‌ریزی اقتصادی و اجتماعی،

مرکز تحقیقات اقتصاد ایران، دانشکده اقتصاد، دانشگاه علامه طباطبایی و مرکز آمار ایران.

صادقی، فاطمه. (۱۳۸۲). آثار تورمی و درآمد مالیات بر ارزش افزوده در ایران (تکنیک داده - ستانده)، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه الزهرا (س). دانشکده علوم اجتماعی و اقتصادی.

فدایی خوراسگانی، مهدی. (۱۳۸۱). بررسی آثار تورمی مالیات بر ارزش افزوده بخش‌های مختلف اقتصادی در ایران (تحلیل داده - ستانده)، پژوهش‌های اقتصادی، بهار ۸۱.

سازمان امور مالیاتی کشور، قانون مالیات بر ارزش افزوده (۱۳۸۷)

توفیق، فیروز (۱۳۷۶). تحلیل داده - ستانده در برنامه‌ریزی‌های اقتصادی با تأکید بر برنامه‌ریزی منطقه‌ای، مرکز تحقیقات اقتصاد ایران، دانشکده اقتصاد دانشگاه علامه طباطبایی.

نتایج طرح هزینه - درآمد خانوار، مرکز آمار ایران، سال‌های ۱۳۸۸-۱۳۹۲.

مرکز آمار ایران، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، جدول داده - ستانده ایران سال ۱۳۸۰

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، معاونت اقتصادی، دفتر مطالعات اقتصادی، جدول داده - ستانده ایران سال ۱۳۹۰

گزارش وضع مالی دولت، وزارت امور اقتصادی و دارایی، سال‌های مختلف.

مرکز آمار ایران، خلاصه گزارش حساب‌های ملی، سال‌های مختلف.

سایت مرکز آمار ایران <http://www.amar.org.ir/>

سایت مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی ایران <http://rc.majlis.ir/>

Kim Jae & Geoffrey Hewings, (2012). "Integrating the Fragmented Regional and subregional Socioeconomic Forecasting and Analysis: a Spatial Regional Econometric Input-Output Framework", The Annals of regional Science, Springer, vol.49.

Jones, Charles. (2011). Misallocation, Economic Growth and Input-Output Economics, Stanford GSB and NBER.

World Bank (2010) , World Development Indicators , Washington , D.C.

Commission of European Communities, International Monetary Fund, Organization for Economic Co-Operation And Development, United Nations, World Bank (2008), " System of National Accounts (2008)".

Gosh , S. , Gregoriou , A. , (2008) ,” The Composition of Government Spending and Growth : Is Current Capital Spending Better ?” Oxford Economic Paper.

Ciaschini, M and Socci, C, (2007) Final Demand Impact on Output : A Macro Multiplier Approach. Journal of Policy Modeling 29,115-132.

Bazzazan, Fatemeh and Mohammadi, Nafiseh (2007). Source of Economic Growth and Input-Output Structural Decomposition Analysis : The Case of Iran, 16<sup>th</sup> International Conference on Input-Output Techniques, Turkey.

Afshari Zahra (2007). “Estimating The Inflationary Effect of Implementing Value Added Tax in Iran” , An Input- Output Techniques , Istanbul , Turkey.

Khalili Araghi Mansour. (2005) Investment in Housing Sector an Input-Output Approach; Iranian Economic Review, vol 15.

Manzoor Davood, (2005). Environmental Policy Analysis in Iran: Application of Energy Input-Output Table, Imam Sadegh University, International Energy Workshop 5-7 July 2005, Kyoto, Japan 2005.

Khalili Araghi Mansour and Sourì Ali (2004).The Growth Pattern of Iran's Economy in the first Five Year Development Plan (1989-1994), Iranian Economic Review, vol.9, No.11, Fall 2004.

Greth , H. and C.Mills , From Max Weber; London , Routledge.1948.